

بررسی تطبیقی واژگان خویشاوندی برخی گونه‌های زبانی استان کرمان (براساس الگوی گستره کاربرد مورداک)

حامد مولایی کوهبنانی*

محمدرضا پهلوان نژاد**

چکیده

در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی در زمینه بررسی واجی، واژگانی و نحوی گویش‌های فارسی انجام گرفته اما مسائل مربوط به مردم‌شناسی آنها کمتر مورد توجه بوده است. هدف اصلی این پژوهش بررسی واژگان نظام خویشاوندی هشت گونه زبانی استان کرمان (شامل کرمانی، بردسیری، کوهبنانی، بافتی، کهنوجی، جیرفتی، فاریابی و قلعه گنجی) می‌باشد. بر اساس نظر مورداک، واژگان خویشاوندی بر سه اساس طرز استفاده، ساخت زبانی و گستره کاربرد مورد مطالعه قرار می‌گیرند. با توجه به حجم مقاله، واژگان خویشاوندی برخی از این گونه‌ها تنها براساس گستره کاربرد مورداک تحلیل شده‌اند. در مجموع ۴۵ واژه خویشاوندی از این گونه‌ها جمع‌آوری شده که ۱۸ واژه مربوط به خویشاوندان نسبی، ۲۱ واژه سببی و ۶ واژه ناتنی می‌باشد. بررسی مقابله‌ای داده‌ها نشان می‌دهد که واژگان نظام خویشاوندی در گونه‌های کرمان جنوبی بیشترین تفاوت با فارسی معیار را دارند. بررسی نتایج برطبق الگوی گستره کاربرد نیز نشان می‌دهد که تمام معیارهای این الگو در واژگان گونه‌های شمالی اعمال می‌شود اما در گونه‌های جنوبی گاهی دو معیار جهت و جنس اعمال نمی‌شوند.

کلیدواژه‌ها: واژگان خویشاوندی، گونه زبانی، استان کرمان، الگوی مورداک.

*. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

بنا به تعریف هولمز (۷:۲۰۰۸) زبان‌شناسی اجتماعی یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی است که میان ساخت زبان و جامعه ارتباط تنگاتنگی برقرار می‌کند و زبان را به عنوان پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد. هادسن (۳۴:۱۹۹۶) عقیده دارد با توجه به آنکه هر قومی گونه‌زبانی مخصوص به خود را دارد می‌توان با بررسی زبان هر قوم به فرهنگ آن نیز دست یافت چراکه زبان بیانگر واقعیت فرهنگی هر جامعه می‌باشد. بی‌تس و پلاگ (۲۲:۱۳۷۵) فرهنگ را نظام مشترکی از باورها، ارزش‌ها، رسوم، رفتارها و موضوعاتی می‌دانند که اعضای یک جامعه در تطبیق با جهان خود و در رابطه با یکدیگر به کار می‌برند و از راه آموزش از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. وارداف (۶۵:۲۰۰۳) عنوان می‌کند روابط خانوادگی یکی از عوامل فرهنگی هر جامعه می‌باشد که به خوبی نحوه ارتباط افراد جامعه با یکدیگر و الگوی فکری آنها نسبت به خویشاوندان را نشان می‌دهد. تراوتمن (۵۷:۲۰۰۱) در این زمینه عقیده دارد که ساختار واژگانی در حوزه خویشاوندی یکی از تاثیرات جامعه و فرهنگ می‌باشد. از طرف دیگر مردم‌شناسان نیز به بررسی واژگان خویشاوندی علاقه نشان می‌دهند چراکه تنوع این واژگان در هر زبانی روابط انسانی آن جامعه را نمایان می‌کند. براساس باطنی (۴۶:۱۳۵۴) با بررسی اصطلاحات خویشاوندی به ساخت خانواده هر جامعه و نحوه نگرش اعضای خانواده به یکدیگر پی خواهیم برد. خانواده مهم‌ترین نقش در روابط خویشاوندی را دارد و در جوامع مختلف مفهوم و اعضای مشخصی دارد. به اعتقاد مقصودی (۶۲:۱۳۸۶) روابط خویشاوندی یعنی برخوردار بودن از روابطی همچون روابط خونی، روابط سببی، روابط نسبی، روابط جانبی و هم چنین روابط میان خواهر و برادر. کلیه این روابط باید میان اعضای یک خانواده و یک گروه قومی و یک تیره و طایفه و خاندان وجود داشته باشد. این پژوهش به دو هدف انجام گرفته است؛ هدف اول جمع‌آوری واژگان خویشاوندی در هشت گونه‌زبانی استان کرمان است که با توجه به عدم وجود پژوهش دیگری در این زمینه اهمیت بالایی پیدا می‌کند و هدف دوم تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده بر اساس الگوی گستره کاربرد مورداک می‌باشد.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی واژگان خویشاوندی گویش‌های زبان فارسی کم‌تر از سایر جنبه‌های این گویش‌ها مورد توجه قرار گرفته است و آثار اندکی در این زمینه وجود دارد. گونه‌های مختلف زبانی استان کرمان دارای واژگان خویشاوندی متنوعی می‌باشند که پیش از این مورد بررسی علمی قرار نگرفته‌اند. علاوه بر این، تا کنون هیچ پژوهشی که به بررسی تطبیقی اصطلاحات خویشاوندی بین گویش‌های زبان فارسی پرداخته باشد، انجام نگرفته است. در این بخش به تعدادی از آثار موجود در رابطه با واژگان خویشاوندی زبان فارسی و برخی گویش‌های آن اشاره خواهد شد.

باطنی (۱۳۵۴) در پژوهشی با عنوان "اصطلاحات خویشاوندی در زبان فارسی" به روش تحلیل مولفه‌ای به بررسی اصطلاحات خویشاوندی زبان فارسی پرداخته است.

عباس کوشک جلالی (۱۳۷۶) نیز در "اصطلاحات خویشاوندی در زبان فارسی" ابهام در معنا و کاربرد واژه‌ها" سعی در نشان دادن ابهام موجود در اصطلاحات خویشاوندی زبان فارسی و توصیف عناصر تشکیل دهنده هر شبکه داشته است. نگارنده به منظور تحلیل داده‌های خود از سه منبع کتب و مقالات تحقیقی، نظر بعضی از محققان و زبان شناسان و نظر افراد عادی استفاده کرده است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که در زبان فارسی، واژه‌ای عام که همه پیوندهای نسبی و سببی از نزدیک‌ترین تا دورترین حلقه‌ها را دربر گیرد وجود ندارد و برای بیان این مفهوم واژه‌های گوناگونی همچون خانواده، فامیل، خویشاوندان، خاندان، دودمان، بستگان، نزدیکان و آشنایان به کار می‌رود.

کیسه خاله و چراغی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان "واژه‌شناسی اجتماعی گویش گیلکی (مطالعه موردی: اصطلاحات خویشاوندی و جنسیت)" به بررسی جنبه‌های اجتماعی واژگان خویشاوندی و جنسیتی در گویش گیلکی رشت و نواحی اطراف آن پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد واژگان و اصطلاحات گیلکی از نظر ارجاع و خطاب، کاربرد افعال در حوزه همسرگزینی، بخش کنایی و... با ارزش گذاری جنسیتی همراه‌اند.

شریفی و اسلامی (۱۳۹۰) نیز در مقاله "بررسی نظام واژگان خویشاوندی در گویش مازندرانی" واژگان خویشاوندی گویش مازندرانی را در راستای نظریه نسبیت زبانی مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها در جمع‌آوری داده‌های خود از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و همچنین مصاحبه با افراد بومی

استفاده کرده‌اند. نتایج این پژوهش مشخص می‌کند که با توجه به حجم بالای واژگان خویشاوندی در گویش مازندرانی، خانواده و ازدواج برای گویشوران این منطقه از اهمیت بالایی برخوردار است. علاوه بر زبان فارسی، واژگان خویشاوندی برخی دیگر از زبان‌های ایرانی نیز از جانب تعدادی از زبان‌شناسان ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به قیطوری و همکاران (۲۰۱۰) روی زبان کردی کلهری، بختیاری (۲۰۰۹) روی ۶۰ زبان ایرانی غربی و عباسی و کزازی (۱۳۹۲) روی زبان هورامی اشاره کرد.

۳. مبانی نظری

براساس اعلام دفتر آمار و اطلاعات استانداری کرمان (۱۳۹۲) استان کرمان طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۲۹۳۸۹۸۸ نفر جمعیت می‌باشد. مردم استان کرمان همانند مردمان سایر مناطق مرکزی ایران از نژاد آریایی و فارس هستند اما در قرن‌های گذشته اقوام مختلفی به ویژه از اقوام و عشایر ترک آسیای میانه، لر، لک و طوایفی از قوم بلوچ و مغول این منطقه را به عنوان محل سکونت خود انتخاب کردند. ساکنان استان کرمان بیشتر به زبان فارسی که همان فارسی دری است، گفتگو می‌کنند ولی با توجه به مهاجرت اقوام مختلف تنوع زیادی در لهجه و گویش محلی شهرستان‌های این استان به چشم می‌خورد؛ اما با این وجود غلبه اصلی با گویش فارسی و لهجه کرمانی است. استان پهناور کرمان را می‌توان با توجه به شباهت‌های فرهنگی، زبانی و نژادی به دو ناحیه شمالی و جنوبی تقسیم کرد. به اعتقاد کلانتری خاندانی (۱۳۸۷: ۳۳-۴۲) به کل منطقه جنوب استان کرمان که شامل هفت شهرستان جیرفت، عنبرآباد، رودبار جنوب، کهنوج، قلعه گنج، منوجان و فاریاب می‌شود "رودبار زمین" گفته می‌شود که از شمال به کرمان، از شرق به بم و سیستان و بلوچستان، از غرب به بافت و هرمزگان و از جنوب به هرمزگان محدود می‌شود. مطلبی (۱۳۸۵: ۵) عقیده دارد که گویش‌های متنوع استان کرمان را می‌توان به دو دسته کلی کرمانی و رودباری تقسیم بندی کرد.

براساس نظر رضایی باغ‌بیدی (۱۳۸۸) گونه زبانی کرمانی، یکی از لهجه‌های متعلق به گویش-های مرکزی ایران و بازمانده زبان‌های ایرانی نو، شاخه جنوبی است. این گونه علاوه بر ویژگی‌های آوایی و واژگانی، برخی ویژگی‌های صرفی و ساختاری نیز دارد؛ اما به علت دارا بودن قابلیت درک متقابل در فهرست لهجه‌های زبان فارسی درج می‌شود.

مطلبی (۲۳:۱۳۸۵) رودباری را به عنوان گویش رایج در گرمسیرات جنوبی استان کرمان، شامل شهرستان‌های رودبار، کهنوج، منوجان، قلعه گنج، جیرفت و عنبرآباد معرفی می‌کند. به نظر وی، گویش رودباری در شهرستان‌های مختلف متأثر از گویش‌های مناطق همجوار بوده است؛ گونه جیرفتی از گویش‌های فارسی، گونه منوجانی و کهنوجی از گویش‌های استان هرمزگان، گونه رودباری از بلوچی و گونه قلعه گنجی از بشاگردی تأثیر پذیرفته است. بنابراین اگرچه رواج زبان‌های بلوچی، براهویی و فارسی در منطقه رودبار جنوب باعث ایجاد لهجه‌های زبانی مختلفی شده است اما علیرغم وجود برخی تفاوت‌های آوایی، واژگانی و بعضاً صرفی نحوی میان این گونه‌ها، گویشوران این مناطق درک متقابلی از گفتار یکدیگر دارند. در این پژوهش، انتخاب هشت گونه زبانی به شیوه‌ای بوده است که بیشترین تنوع در نحوه کاربرد واژگان خویشاوندی دیده شود و در نهایت یک یا دو صورت پر بسامد زبانی از هر منطقه که به نمونه‌ای نزدیک‌تر بودند برای بررسی انتخاب شده‌اند. علیرغم وجود برخی تفاوت‌های جزئی، شباهت نسبتاً زیادی در نحوه کاربرد این واژگان از سوی گویشوران گونه‌های شمالی با یکدیگر و همچنین گویشوران گونه‌های جنوبی با یکدیگر دیده می‌شود؛ به همین دلیل این گویش‌ها را در قالب دو دسته کرمان شمالی شامل گونه‌های کرمانی، بردسیری، کوهبنانی و بافتی و کرمان جنوبی شامل گونه‌های جیرفتی، کهنوجی، فاریابی و قلعه گنجی ارائه و مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم.

منظور از خویشاوندی در معنای عام آن روابط میان افرادی می‌باشد که با یکدیگر نسبت خانوادگی دارند؛ زبان‌های مختلف از اصطلاحات متفاوتی برای معرفی این روابط استفاده می‌کنند. بیس و پلاگ (۲۸:۱۳۷۵) در مورد اصطلاحات خویشاوندی می‌نویسند: "اصطلاحات خویشاوندی اصطلاحاتی است که مردم در غیاب خویشاوندان و ضمن صحبت و اشاره به آنها به کار می‌برند". براساس نظر تراوتمن (۲۱:۲۰۰۱) بررسی روابط خویشاوندی و واژگان مورد استفاده در این حوزه از قرن ۱۸ میلادی آغاز شد و در نیمه قرن بیستم در امریکا نظم بهتری یافت. نخستین تحلیل نظام‌مند از نظام خویشاوندی را "لویس هنری مورگان" - پدر انسان‌شناسی مدرن - انجام داد. مورگان به مطالعه مردم نگاری قبیله "ایرویکوی" از بومیان امریکای شمالی روی آورد و پی برد که آنها ساختار نظام خویشاوندی مخصوص به خود دارند. حاصل پژوهش‌های وی انتشار کتاب "نظام همخونی و وصلت خانواده انسانی" در سال ۱۸۷۱ بود که از آن به عنوان نخستین گونه‌شناسی نظام‌های خویشاوندی یاد می‌شود. هیس (۱۳۴۰: ۳۷-۳۸) نیز در این رابطه می‌نویسد: "مورگان پیوندهای خویشاوندی را پایه اصلی سازمان یافتگی جوامع ابتدایی می‌داند؛ به اعتقاد وی

پیوندهای خویشاوندی لزوماً نمودار نزدیکی زیست‌شناختی نیستند؛ استدلال وی در این زمینه این بود که کودکان بومی ایروکویی عموی خود را نیز پدر صدا می‌کنند. هدف نهایی مورگان از مطالعه روابط خویشاوندی نشان دادن یگانگی منشا انسانیت با توجه به شباهت‌های موجود میان نظام‌های خویشاوندی در سرتاسر جهان بود". بیتس و پلاگ (۱۳۷۵: ۴۴) در رابطه با نوع روابط خویشاوندی تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای را به صورت زیر ارائه می‌کنند:

۱) همخون: شامل افرادی می‌شود که به طور مادرزادی با فرد ارتباط دارند؛ مثل خواهر و برادر و والدین.

۲) سببی: شامل افرادی می‌شود که از طریق ازدواج با فرد ارتباط دارند؛ مثل عروس و داماد.

۳) ساختگی: شامل افراد غیرخویشاوندی می‌شود که وارد خانواده شده و حقوق و الزامات خویشاوندی را کسب می‌کنند؛ مثل دوستان قدیمی خانواده که آنها را عمو و خاله می‌نامند.

شرف‌الدین (۱۳۷۸: ۶۳-۶۹) نیز روابط خویشاوندی را بر اساس هسته و محور کانونی آن و با لحاظ کردن مسائل دین اسلام به صورت زیر دسته‌بندی می‌کند:

۱. خویشاوندی نسبی یا زیستی (بر پایه همخونی): طبیعی‌ترین و گسترده‌ترین نوع خویشاوندی، خویشاوندی نسبی است که بر پایه همخونی و انتساب به یک نیای واقعی مشترک، تحقق می‌یابد. خویشاوندی نسبی بر دو نوع "پدر تبار" و "مادر تبار" می‌باشد. مجموع افرادی که دارای قاعده‌ای نیای مشترک حقیقی‌اند، پدر تبار نامیده می‌شوند. پدر تباری رسم و قاعده‌ای است که بر اساس آن، فرد موقعیت اجتماعی خود را از پدر به ارث می‌برد و به گروه خویشاوندی پدری، که به آن خویشاوندی نسبی نیز گفته می‌شود، وابسته است. در مقابل، سیستمی که فرد از لحاظ موقعیت اجتماعی و خویشاوندی به خانواده مادر وابسته است، مادر تباری نامیده می‌شود. این مجموعه، مرکب از مادر، پسران، دختران و فرزندان دختر است. در این سیستم، تبار کودکان از طریق مادر تعقیب می‌شود و فرزندان به نام مادر خوانده می‌شوند.

۲. خویشاوندی سببی (بر پایه زناشویی): این خویشاوندی از قدمت و گستره قابل توجهی برخوردار است. این نوع خویشاوندی، میان داماد با بستگان همسر و متقابلاً میان زن با خویشاوندان شوهر به وجود می‌آید.

بررسی تطبیقی واژگان خویشاوندی برخی گونه‌های زبانی استان کرمان ۱۰۱

۳. خویشاوندی رضاعی (بر پایه همشیری): خویشاوندی رضاعی نوعی از قرابت است که از طریق شیر خوردن با رعایت شرایط خاص میان طفل شیرخوار و دایه او - زنی که وی را شیر داده است - و به تبع آنها با خویشاوندان ایشان حاصل می‌گردد.

۴. خویشاوندی تبنی (بر پایه فرزندخواندگی): در صورتی که فرد یا قبیله‌ای شخص دیگری را با رعایت برخی معیارها و با تشریفات خاص به فرزند پذیرد، نوعی دیگر از خویشاوندی به وجود می‌آید. این نوع خویشاوندی عمدتاً در جوامع ابتدایی با توجه به نیازهایی همچون عقیم بودن فرد، نیاز عاطفی، اقتصادی، نظامی، سیاسی (مثل پناهندگی)، برقراری صلح و تحکیم مبانی دوستی و... جریان داشت، ولی امروزه با توجه به تغییرات اساسی در نظام اجتماعی و از میان رفتن بسیاری از علل آن، کم اتفاق می‌افتد.

۵. خویشاوندی توتمی یا همخونی آرمانی: این نوع خویشاوندی که در میان اقوام بدوی و غیر متمدن جریان دارد، زیر بنای کلیه وظایف و حقوق و تکالیف اجتماعی در میان اعضای کلان و معتقدان به یک توتم یا دارندگان یک نیای مشترک آرمانی به شمار می‌آید و از استحکام بیشتر و قلمرو وسیع‌تر و لوازم و اقتضانات حقوقی و اجتماعی زیادتر در مقایسه با خویشاوندی نسبی یا خونی برخوردار است.

۶. خویشاوندی تعمیدی (بر پایه حضور و مشارکت در غسل تعمید): در بین مسیحیان، آن کسی که به فرد، نامی معین و هویتی اجتماعی می‌بخشد و در غسل تعمید او دخالت دارد، نوعی رابطه خویشاوندی با وی برقرار می‌سازد که برای تمامی عمر پابرجاست

در بسیاری موارد تقسیم‌بندی روابط خویشاوندی بر اساس واژگانی است که در این حوزه به کار می‌رود. تقسیم‌بندی‌های مختلفی بر طبق این معیار در رابطه با واژگان نظام خویشاوندی وجود دارد. بر طبق نظر والاس و آکینز (۱۹۶۰: ۴۲) مورگان به عنوان پیشگام این تقسیم‌بندی‌ها بر این باور بود که تمامی نظام‌های خویشاوندی را می‌توان به دو مقوله گسترده تقسیم نمود:

(۱) نظام‌های توصیفی: این نظام که در بین اقوام سامی، آریایی و اورایی وجود دارد، میان خویشاوندان خطی و جانبی تفاوت قابل می‌شود؛ مثلاً پدر و عمو با لفظی مشترک به کار نمی‌روند.

(۲) نظام‌های رده‌بندی: در این نظام الفاظ مشابهی برای خویشاوندان خطی و جانبی به کار می‌رود. این نظام که در بین خانواده‌های مالایی، تورانی و گانوائی وجود دارد، برای پدر و عمو، خاله و مادر و... الفاظ مشترکی به کار می‌برد.

کوشک جلالی (۱۱۷:۱۳۷۶) عنوان می‌کند که نظام نام‌گذاری خویشاوندان در فارسی بر پایه نظام توصیفی سودانی می‌باشد که با زبان‌های عربی، چینی، ترکی و بلغاری مشترک است. با این حال، در زبان فارسی واژه واحدی که تمامی روابط خویشاوندی را شامل شود وجود ندارد و در عوض چندین واژه همچون خویشاوندان، بستگان، خاندان، دودمان، اقوام و ... وجود دارد که می‌توانند در متون مختلف جایگزین یکدیگر شوند و محدوده خویشاوندان را مشخص نمی‌کنند.

۴. تحلیل داده‌ها

داده‌های این پژوهش با توجه به فرهنگ مناطق مورد پژوهش و بسامد کاربرد، شامل واژگان خویشاوندی نسبی، سببی و ناتنی می‌شود. در ادامه واژگان خویشاوندی فارسی معیار همراه با معادل‌های کرمان شمالی و جنوبی ارائه می‌شوند.

جدول شماره ۱ - واژگان مربوط به خویشاوندان نسبی در مناطق مورد بررسی

کرمان جنوبی	کرمان شمالی	واژه
bajig - baji	baʃu- baʃa	پدربزرگ
kaka - mowig - nanki	nanu-bibi	مادربزرگ
bava - bava	baba	پدر
muev - mue - daje	mader	مادر
xalu	xalu	دایی
mami - amu	amu	عمو
xale	xale	خاله
mahi - mahig	ame	عمه

xowah - go:har - dede	abdʒi	خواهر
berar - kaka	berar - kaka	برادر
badoh - doh - doht	doxu - doxteru	دختر
ʃowk - ʃok - pos	peseru - jaru	پسر
goʃegun- ʃurijun- baʃevon	baʃeu:a	فرزندان
brazar- bratzar	beraderzade	برادرزاده
xowahzar - go:harzeht	xarzade	خواهرزاده
nowk	baʃezade	نوه
nerowk - haparowk	netidʒe	نتیجه
karnowk - kernowk	nedide	نادیده

بررسی تطبیقی واژگان خویشاوندی برخی گونه‌های زبانی استان کرمان ۱۳۰۳

واژگان خویشاوندی جمعی در تمام گونه‌های استان کرمان تفاوت چندانی با فارسی معیار ندارند؛ به همین دلیل در این پژوهش واژه خویشاوندی جمعی "فرزندان" نیز در قالب واژگان نسبی ارائه شده است.

جدول شماره ۲- واژگان مربوط به خویشاوندان سببی در مناطق مورد بررسی

کرمان جنوبی	کرمان شمالی	واژه
xowaserek	amu - pedarʃu	پدر شوهر
xowasug	maderʃu	مادر شوهر
xowaserek	pedarza	پدر زن
xowasug	maderza	مادر زن
zanine-zaife- bazan	zaife -za	زن
ʃu	ʃu - ʃur	شوهر
berarza	berader za	برادر زن
xowahza	xa rza	خواهر زن
berarʃu	beraderʃu	برادرشوهر
xowahʃu	xa rʃu	خواهرشوهر
gowarug - neʃar	arus	عروس
do:ma	dumat	داماد
havewg	zananʃu	هوو
hamʃerat- hamgowarug	hamgodu - hamarus	جاری
hamriʃ	hamdumat -hamriʃ	باجناع
zanbrat - gowarug	arus	زن برادر
do:ma	dumat	شوهر خواهر
zenamu	Zenamu	زن عمو
zaxalu	zendaei	زن دایی
ʃu xale	ʃure xale	شوهر خاله
ʃumahi	ʃure ame	شوهر عمه

جدول شماره ۳- واژگان مربوط به خویشاوندان ناتنی در مناطق مورد بررسی

کرمان جنوبی	کرمان شمالی	واژه
pedarandar	pedarandar	نا پدری
zanbowa	zanbaba - maderandar	نا مادری
poʃti - ʃir poʃti	berar andar	برادر ناتنی
poʃti - ʃir poʃti	xare andar	خواهر ناتنی
pejezade	pirzade	دختر ناتنی
pejezade	pirzade	پسر ناتنی

براساس جداول فوق، اکثر واژگان خویشاوندی گونه‌های کرمان جنوبی (گوش رودباری) دارای تفاوت واژگانی و واژگان خویشاوندی کرمان شمالی دارای تفاوت آوایی با فارسی معیار می‌باشند. از مجموع ۱۸ واژه خویشاوندی نسبی، در گونه‌های کرمان شمالی تنها دو واژه "پدربزرگ" و "دایی" دارای صورت‌های زبانی متفاوت از فارسی معیار هستند و در گونه‌های کرمان جنوبی چهارده صورت زبانی متفاوت از فارسی معیار دیده می‌شود. از مجموع ۲۱ واژه خویشاوندی سببی، گونه‌های کرمان شمالی ۴ واژه دارای صورت‌های زبانی متفاوت از فارسی معیار هستند و در مقابل در گونه‌های کرمان جنوبی ۵ صورت زبانی متفاوت از فارسی معیار وجود دارد. از مجموع ۶ واژه خویشاوندی ناتنی، در گونه‌های کرمان شمالی تنها ۲ واژه دارای صورت‌های زبانی متفاوت از فارسی معیار هستند و در مقابل در گونه‌های کرمان جنوبی ۴ صورت زبانی متفاوت از فارسی معیار وجود دارد. این بررسی‌ها نشان می‌دهد صورت‌های زبانی گونه‌های جنوبی نسبت به گونه‌های شمالی متفاوت‌تر از فارسی معیار هستند.

موردادک (۱۹۴۹: ۹۸-۹۵) عقیده دارد که هر انسانی به صورت بالقوه ۷ نوع خویشاوند درجه اول، ۳۲ نوع خویشاوند درجه دوم، ۱۵۱ خویشاوند درجه سه و بی نهایت خویشاوند دورتر دارد؛ در نتیجه تخصیص یک واژه خویشاوندی متمایز به هر کدام از آنها اگر غیر ممکن نباشد بسیار دشوار است و در هیچ فرهنگی چنین حالتی وجود ندارد. براساس نظر وی، واژگان خویشاوندی را می‌توان بر اساس سه الگوی شیوه استفاده (mode of use)، ساخت زبانی (linguistic structure) و گستره کاربرد (range of application) تقسیم‌بندی کرد تا از این طریق بتوان به صورت‌بندی واژگان خویشاوندی زبان‌های دنیا پرداخت. شیوه استفاده اشاره به نوع کاربرد واژگان خویشاوندی دارد که

براساس آن واژگان خویشاوندی به دو صورت "خطاب مستقیم" (direct address) و "ارجاع غیر-مستقیم" (indirect reference) تقسیم می‌شوند؛ تجزیه و تحلیل واژگان خویشاوندی بر این اساس وارد حوزه کاربردشناسی می‌شود. ساخت زبانی اشاره به ساختار واژگان خویشاوندی دارد که براساس آن واژگان خویشاوندی به سه صورت "بنیادی" (elementary)، "اشتقاقی" (derivative) و "توصیفی" (descriptive) ساخته می‌شوند. تجزیه و تحلیل واژگان خویشاوندی بر این اساس وارد حوزه ساختواژه می‌شود. واژگان خویشاوندی بنیادی واژگانی ساده هستند که نمی‌توان آن‌ها را به صورت‌های کوچک‌تر تقسیم کرد، واژگان خویشاوندی اشتقاقی از ترکیب یک واژه خویشاوندی بنیادی و یک یا چند واژه که معنای خویشاوندی ندارند تشکیل شده است و در نهایت واژگان خویشاوندی توصیفی از دو یا چند واژه بنیادی تشکیل می‌شوند. از آنجایی که تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس شیوه استفاده نیاز به روشی متفاوت دارد و ساخت زبانی واژگان خویشاوندی (یعنی الگوی دوم) گونه‌های مورد بررسی شباهت زیادی به ساخت آنها در فارسی معیار دارد، در این پژوهش به بررسی واژگان خویشاوندی مناطق مورد پژوهش براساس الگوی گستره کاربرد مورداد خواهیم پرداخت. براساس الگوی گستره کاربرد واژگان خویشاوندی به دو طبقه "تفکیکی" (denotative) و "رده‌ای" (classificatory) تقسیم می‌شوند؛ واژگان تفکیکی تنها برای یک مقوله خویشاوندی مانند پدر یا مادر به کار می‌روند در حالی که واژگان رده‌ای برای دو یا چند مقوله مانند پدر بزرگ (که دو مقوله پدر مادر و پدر پدر را شامل می‌شود) کاربرد دارند. مورداد شش معیار اصلی را معرفی می‌کند که نادیده گرفتن و یا اعمال آنها تمایز میان واژگان خویشاوندی تفکیکی و رده‌ای را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر هر گاه این معیارها از لحاظ زبانی اساس تمایز اصطلاح شناختی واقع شوند واژگان تفکیکی و هرگاه نادیده گرفته شوند واژگان رده‌ای تولید می‌شود. این شش معیار عبارتند از "نسل" (Generation)، "جنس" (Gender)، "وصلت" (affinity)، "فرود" (collaterality)، "جهت شاخه" (bifurcation) و "قطبیت" (polarity). در ادامه واژگان خویشاوندی دو گونه مورد بررسی براساس معیار گستره کاربرد ارئه خواهد شد.

جدول شماره ۴ - طبقه بندی واژگان خویشاوندی تفکیکی براساس گستره کاربرد

تفکیکی			
نوع خویشاوندی	مصادق	کرمان شمالی	کرمان جنوبی
نسبی	پدر	baba	bava - bava
	مادر	mader	muev - mue - daje
	خواهر	abdži	xowah - go:har - dede
	برادر	berar - kaka	berar - kaka
	دختر	doxu - doxteru	badoh - doh - doht
	پسر	peseru - jaru	ƒowk - ƒok - pos

سببی	فرزندان	baƒeu:a	gofegun- ƒurijun- baƒevon
	دایی	xalu	xalu
	خاله	xale	xale
	عمه	ame	mahi - mahig
	شوهر	ƒu - ƒur	ƒu
	زن	zaife -za	zaife- bazan- zanine
	برادر زن	berader za	berarza
	خواهر زن	xar za	xowahza
	خواهر شوهر	xar ƒu	xowahƒu
	برادر شوهر	beraderƒu	berarƒu
	هوو	zanamƒu	havewg
	زن برادر	arus	zanbrat - gowarug
	شوهر خواهر	dumat	do:ma
ناتی	جاری	hamgodu -hamarus	hamƒerat- hamgowarug
	باجنانغ	hamdumat -hamri]	hamri]
	زن عمو	zenamu	zenamu
	زن دایی	zendaei	zaxalu
	شوهر خاله	ƒure xale	ƒu xale
	شوهر عمه	ƒure ame	ƒumahi
	نا پدری	pedarandar	pedarandar
	نا مادری	zanbaba - maderandar	zanbowa

بررسی تطبیقی واژگان خویشاوندی برخی گونه‌های زبانی استان کرمان ۱۰۷

براساس جدول شماره ۴، از مجموع ۴۵ واژه خویشاوندی مورد بررسی در این پژوهش ۲۷ مورد واژه‌های تفکیکی محسوب می‌شوند چراکه هر کدام از آنها به یک مصداق واحد اشاره دارند. از این تعداد ۱۰ مورد واژگان نسبی، ۱۵ مورد واژه سببی و ۲ مورد نیز واژه ناتنی محسوب می‌شوند.

جدول شماره ۵- طبقه بندی واژگان خویشاوندی رده ای براساس گستره کاربرد

رده ای			
نوع خویشاوندی	مصداق	کرمان شمالی	کرمان جنوبی
نسبی	پدربزرگ	ba u- ba a	bajig - baji
	مادربزرگ	nanu-bibi	kaka – mowig - nanki
	برادرزاده	beraderzade	brazar- bratzar
	خواهرزاده	xarzade	xowahzar - go:harzeht
	نوه	ba fezade	nowk
	نتیجه	netidze	nerowk - haparowk
	ندیده	nedide	karnowk - kernowk
سببی	عروس	arus	gowarug - ne ar
	داماد	dumat	do:ma
ناتنی	دختر ناتنی	pirzade	pejezade
	پسر ناتنی	pirzade	pejezade

براساس جدول شماره ۵، از مجموع ۴۵ واژه خویشاوندی مورد بررسی در این پژوهش ۱۱ مورد واژه‌های صرفا رده‌ای محسوب می‌شوند چراکه به بیش از یک مقوله اشاره دارند. از این تعداد ۷ مورد واژگان نسبی، ۲ مورد واژه سببی و ۲ مورد نیز واژه ناتنی محسوب می‌شوند.

جدول شماره ۶- طبقه بندی واژگان خویشاوندی رده ای براساس گستره کاربرد به تفکیک گونه ها

گونه	صورت محلی	مصادق
ک. جنوبی	Xowaserek	پدر زن - پدر شوهر
ک. جنوبی	Xowasug	مادر زن - مادر شوهر
ک. جنوبی	połti	برادر ناتنی - خواهر ناتنی (از پدر مشترک و مادر متفاوت)
ک. جنوبی	łir połti	برادر ناتنی - خواهر ناتنی (از مادر مشترک و پدر متفاوت)
ک. شمالی	amu	پدر شوهر - برادر پدر

براساس جدول شماره ۶، هفت واژه خویشاوندی رده‌ای از لحاظ گستره کاربرد شرایط متفاوتی را دارند. براین اساس، در گونه‌های کرمان جنوبی برای هر دو مصداق "پدر زن" و "پدر شوهر" از واژه /xowaserek/ و برای دو مصداق "مادرزن" و "مادرشوهر" نیز از واژه /xowasug/ استفاده می‌شود. علاوه بر این، در این مناطق از واژه /połti/ برای اشاره به برادرانی که پدری مشترک و مادری متفاوت و یا خواهرانی که پدری مشترک و مادری متفاوت دارند استفاده می‌شود. واژه /łir połti/ نیز در این مناطق برای اشاره به برادرانی که مادری مشترک و پدری متفاوت و یا خواهرانی که مادری مشترک و پدری متفاوت دارند به کار می‌رود. در برخی گونه‌های کرمان شمالی واژه "عمو" واژه‌ای رده‌ای محسوب می‌شود که برای اشاره به دو مصداق "برادر پدر" و "پدر زن" به کار می‌رود.

پیش از آنکه به تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس الگوی گستره کاربرد موردادک بپردازیم، لازم است برای درک بهتر آن‌ها توضیحاتی ارائه شود. الگوی گستره کاربرد با بررسی شش معیار زیر مشخص می‌شود. براساس نظر موردادک (۱۰۱:۱۹۴۹) معیار نسل، بنیادی زیست‌شناختی دارد و براساس آن خویشاوندان در چند نسل طبقه‌بندی می‌شوند. اعمال آن، واژه‌های تفکیکی نظیر "برادر" و "خواهر" را در نسل خود در تقابل با واژه‌های تفکیکی مانند "دایی" و "عمو" در نسل قبل از خود قرار می‌دهد. براساس نظر وی، زبان‌ها تا سه نسل قبل و بعد از نسل کنونی را با واژگانی خاص خطاب می‌کنند که این ارزش‌ها به صورت زیر اعمال می‌شوند.

بررسی تطبیقی واژگان خویشاوندی برخی گونه‌های زبانی استان کرمان ۱۰۹

ارزش ها							معیار
۳ نسل پیش از خود -۳	۲ نسل پیش از خود -۲	۱ نسل پیش از خود -۱	نسل خود ۰	۱ نسل پیش از خود +۱	۲ نسل پیش از خود +۲	۳ نسل پیش از خود +۳	نسل

معیار جنس نیز بنیادی زیست‌شناختی دارد و بین خویشاوندان مذکر و مؤنث تمایز می‌گذارد. اعمال آن واژه‌های تفکیکی مانند "برادر" و "خواهر" و عدم اعمال آن واژه‌های رده‌ای مانند "نوه" را ایجاد می‌کند. براساس مورد اک، ارزش مذکر با علامت مثبت، ارزش مؤنث با علامت منفی و عدم وجود جنسیت با علامت صفر نشان داده می‌شود (همان: ۱۰۱).

ارزش ها			معیار
اعمال نشده ∅	مؤنث -	مذکر +	جنس

معیار وصلت بر اثر فرایند ازدواج ایجاد می‌شود و میان خویشاوندان نسبی و سببی تمایز ایجاد می‌کند. به عنوان مثال، واژه رده‌ای "uncle" انگلیسی در اثر نادیده گرفتن این معیار ایجاد شده است چراکه مصادیق "عمو"، "دایی"، "شوهر عمه" و "شوهرخاله" را شامل می‌شود. براساس جدول زیر، واژگان سببی با علامت مثبت و واژگان نسبی با علامت منفی مشخص می‌شوند (همان: ۱۰۲).

ارزش ها		معیار
نسبی -	سببی +	وصلت

معیار فرود نیز مبنای زیست‌شناختی داشته و نشان می‌دهد از چند خویشاوند متعلق به یک نسل و جنس برخی به فرد نزدیکتر از دیگرانند؛ مثلاً در خویشاوندان نسبی نسل‌های بعد از خود، فرزندان و نوزادان خود (که با خود در یک خط قرار دارند) از فرزندان و نوازادان همشیران (که در یک خط موازی با خط خود هستند) به فرد نزدیک‌ترند (همان: ۱۰۳). براساس جدول زیر، ارزش‌های خطی، هم خطی و ناخطی به ترتیب با علامت‌های ۱، ۲ و ۳ نشان داده می‌شوند.

ارزش‌ها				معیار
غیر قابل اعمال ∅	ناخطی ۳	هم خطی ۲	خطی ۱	فرود

معیار جهت نیز مبنای زیست‌شناختی داشته و فقط در مورد خویشاوندان درجه دو به کار می‌رود. این معیار نشان می‌دهد خویشاوندی دیگران با یک فرد به واسطه یک خویشاوند مذکر است یا یک خویشاوند مونث (همان:۱۰۴). نمونه نادیده گرفتن این معیار در واژه‌های "uncle" و "aunt" انگلیسی و نمونه اعمال آن در معادل‌های فارسی آنها یعنی عمو، دایی، عمه و خاله می‌باشد.

ارزش‌ها				معیار
غیر قابل اعمال ∅	اعمال نشده .	از جانب مونث -	از جانب مذکر +	جهت

معیار قطبیت مبنای جامعه‌شناختی دارد. براساس این معیار هر رابطه‌ای اجتماعی از جانب دو نفر یا دو قطب ایجاد می‌شود. اعمال این معیار دو واژه تفکیکی تولید می‌کند و هر یک از طرفین برای ارجاع به طرف دیگر تنها از یکی از این واژه‌ها استفاده می‌کند، مانند پدر و پسر، خواهر و برادر و عمو و برادرزاده، اما نادیده گرفتن آن به تولید یک واژه رده‌ای می‌انجامد که هر دو طرف برای ارجاع به طرف دیگر از همان واژه استفاده می‌کنند (همان:۱۰۶). با توجه به این که این معیار در گونه‌های مورد بررسی کاربردی ندارد، از آن در تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده نشده است.

در ادامه به بررسی واژگان خویشاوندی گونه‌های کرمانی شمالی و جنوبی براساس پنج معیار گستره کاربرد مورداک خواهیم پرداخت. نتایج این بررسی در جداول زیر ارائه شده است.

جدول شماره ۷- تحلیل واژگان خویشاوندی نسبی براساس گستره کاربرد

گونه زبانی	معیارها و ارزش‌ها					واژه
	جهت	فرود	وصل ت	جنس	نسل	

بررسی تطبیقی واژگان خویشاوندی برخی گونه‌های زبانی استان کرمان ۱۱۱

کرمان جنوبی	۰	۱	-	+	+۲	پدر بزرگ
کرمان شمالی	۰	۱	-	+	+۲	
کرمان شمالی	۰	۱	-	-	+۲	مادر بزرگ
کرمان جنوبی	۰	۱	-	-	+۲	
کرمان شمالی	∅	۱	-	+	+۱	پدر
کرمان جنوبی	∅	۱	-	+	+۱	
کرمان شمالی	∅	۱	-	-	+۱	مادر
کرمان جنوبی	∅	۱	-	-	+۱	
کرمان شمالی	-	۳	-	+	+۱	دایی
کرمان جنوبی	-	۳	-	+	+۱	
کرمان شمالی	+	۳	-	+	+۱	عمو
کرمان	+	۳	-	+	+۱	

جنوبی						
کرمان شمالی	-	۳	-	-	+۱	خاله
کرمان جنوبی	-	۳	-	-	+۱	
کرمان شمالی	+	۳	-	-	+۱	عمه
کرمان جنوبی	+	۳	-	-	+۱	
کرمان شمالی	∅	۲	-	-	۰	خواهر
کرمان جنوبی	∅	۲	-	-	۰	
کرمان شمالی	∅	۲	-	+	۰	برادر
کرمان جنوبی	∅	۲	-	+	۰	
کرمان شمالی	∅	۱	-	-	-۱	دختر
کرمان جنوبی	∅	۱	-	-	-۱	
کرمان شمالی	∅	۱	-	+	-۱	پسر

بررسی تطبیقی واژگان خویشاوندی برخی گونه‌های زبانی استان کرمان ۱۱۳

کرمان جنوبی	∅	۱	-	+	-۱	
کرمان شمالی	∅	۱	-	∅	-۱	فرزندان
کرمان جنوبی	∅	۱	-	∅	-۱	
کرمان شمالی	+	۲	-	∅	-۱	برادرزاده
کرمان جنوبی	+	۲	-	∅	-۱	
کرمان شمالی	-	۲	-	∅	-۱	خواهرزاده
کرمان جنوبی	-	۲	-	∅	-۱	
کرمان شمالی	∅	۱	-	∅	-۲	نوه
کرمان جنوبی	∅	۱	-	∅	-۲	
کرمان شمالی	∅	۱	-	∅	-۳	نتیجه
کرمان جنوبی	∅	۱	-	∅	-۳	
کرمان	∅	۱	-	∅	-۴	ندیده

شمالی						
کرمان جنوبی	∅	۱	-	∅	-۴	

نتایج جدول شماره ۷ نشان می‌دهد واژگان خویشاوندی نسبی در گونه‌های کرمان شمالی و جنوبی علیرغم کاربرد صورت‌های زبانی متنوع، براساس معیارهای مورداک کاملاً مشابه با هم عمل می‌کنند.

جدول شماره ۸- تحلیل واژگان خویشاوندی سببی براساس گستره کاربرد

گونه زبانی	معیارها و ارزش‌ها					واژه
	جهت	فرود	وحدت	جنس	نسل	
کرمان شمالی	+	∅	+	+	+۱	پدر شوهر
کرمان جنوبی	۰	∅	+	+	+۱	
کرمان شمالی	+	∅	+	-	+۱	مادر شوهر
کرمان جنوبی	۰	∅	+	-	+۱	
کرمان شمالی	-	∅	+	+	+۱	پدرزن
کرمان جنوبی	۰	∅	+	+	+۱	

بررسی تطبیقی واژگان خویشاوندی برخی گونه‌های زبانی استان کرمان ۱۱۵

کرمان شمالی	-	∅	+	-	+۱	مادر زن
کرمان جنوبی	۰	∅	+	-	+۱	
کرمان شمالی	∅	∅	+	-	۰	زن
کرمان جنوبی	∅	∅	+	-	۰	
کرمان شمالی	∅	∅	+	+	۰	شوهر
کرمان جنوبی	∅	∅	+	+	۰	
کرمان شمالی	-	∅	+	+	۰	برادر زن
کرمان جنوبی	-	∅	+	+	۰	
کرمان شمالی	+	∅	+	+	۰	برادر شوهر
کرمان جنوبی	+	∅	+	+	۰	
کرمان شمالی	-	∅	+	-	۰	خواهر زن
کرمان	-	∅	+	-	۰	

جنوبی						
کرمان شمالی	+	∅	+	-	۰	خواهر شوهر
کرمان جنوبی	+	∅	+	-	۰	
کرمان شمالی	+	∅	+	-	-۱	عروس
کرمان جنوبی	+	∅	+	-	-۱	
کرمان شمالی	-	∅	+	+	-۱	داماد
کرمان جنوبی	-	∅	+	+	-۱	
کرمان شمالی	+	∅	+	-	۰	هوو
کرمان جنوبی	+	∅	+	-	۰	
کرمان شمالی	+	∅	+	-	۰	جاری
کرمان جنوبی	+	∅	+	-	۰	
کرمان شمالی	-	∅	+	+	۰	باجناغ

بررسی تطبیقی واژگان خویشاوندی برخی گونه‌های زبانی استان کرمان ۱۱۷

کرمان جنوبی	-	∅	+	+	۰	
کرمان شمالی	+	∅	+	-	۰	زن برادر
کرمان جنوبی	+	∅	+	-	۰	
کرمان شمالی	-	∅	+	+	۰	شوهر خواهر
کرمان جنوبی	-	∅	+	+	۰	
کرمان شمالی	+	∅	+	-	+۱	زن عمو
کرمان جنوبی	+	∅	+	-	+۱	
کرمان شمالی	+	∅	+	-	+۱	زن دایی
کرمان جنوبی	+	∅	+	-	+۱	
کرمان شمالی	-	∅	+	+	+۱	شوهر خاله
کرمان جنوبی	-	∅	+	+	+۱	
کرمان	-	∅	+	+	+۱	شوهر

شمالی						عمه
کرمان جنوبی	-	∅	+	+	+۱	

اگرچه تعداد صورت‌های واژگانی خویشاوندی سببی مشابه در گونه‌های کرمان شمالی و جنوبی بیشتر از صورت‌های واژگانی خویشاوندی نسبی می‌باشد اما براساس اطلاعات جدول شماره ۸، براساس الگوهای مورداک برخی واژگان خویشاوندی سببی در گونه‌های کرمان شمالی و جنوبی عملکرد متفاوتی دارند. براساس معیارهای مورداک، از مجموع ۲۱ واژه خویشاوندی سببی ۱۷ واژه (۸۱٪ واژه‌ها) در گونه‌های کرمان شمالی و جنوبی عملکردی مشابه و در ۴ واژه (۱۹٪ واژه‌ها) عملکردی متفاوت دارند. در گونه‌های جنوبی واژه /xowaserek/ برای اشاره به دو مصداق "پدر-زن" و "پدرشوهر" به کار می‌رود؛ در نتیجه معیار جهت در این واژه‌ها اعمال نمی‌شود. مشابه چنین حالتی در مورد واژه‌های "مادرزن" و "مادرشوهر" که به صورت /xowasug/ به کار می‌روند نیز دیده می‌شود. این دو مورد تنها عامل تفاوت گونه‌های کرمان شمالی و جنوبی واژگان خویشاوندی سببی بر طبق معیارهای مورداک می‌باشد.

جدول شماره ۹- تحلیل واژگان خویشاوندی ناتنی براساس گستره کاربرد

گونه زبانی	معیارها و ارزش‌ها					واژه
	جهت	فرود	وصلت	جنس	نسل	
کرمان شمالی	-	∅	+	+	+۱	نا پدری
کرمان جنوبی	-	∅	+	+	+۱	
کرمان شمالی	+	∅	+	-	+۱	نا مادری

بررسی تطبیقی واژگان خویشاوندی برخی گونه‌های زبانی استان کرمان ۱۱۹

کرمان جنوبی	+	∅	+	-	+۱	
کرمان شمالی	۰	∅	+	+	۰	برادر ناتنی
کرمان جنوبی	۰	∅	+	∅	۰	
کرمان شمالی	۰	∅	+	-	۰	خواهر ناتنی
کرمان جنوبی	۰	∅	+	∅	۰	
کرمان شمالی	۰	∅	+	∅	-۱	دختر ناتنی
کرمان جنوبی	۰	∅	+	∅	-۱	
کرمان شمالی	۰	∅	+	∅	-۱	پسر ناتنی
کرمان جنوبی	۰	∅	+	∅	-۱	

از مجموع شش واژه خویشاوندی ناتنی دو مصداق "برادرناتنی" و "خواهرناتنی" در گونه‌های کرمان شمالی و جنوبی صورت‌های متفاوتی دارند. براساس معیارهای مورداک نیز همین دو واژه عملکردی متفاوت در گونه‌های شمالی و جنوبی از خود نشان می‌دهند. معیار جنس برای این دو واژه در گونه‌های شمالی رعایت می‌شود اما در گونه جنوبی غیرقابل اعمال می‌باشد. در گونه‌های کرمان جنوبی واژه /poʃti/ برای اشاره به هر دو مصداق "خواهرناتنی" یا "برادرناتنی" که پدر مشترک اما مادری متفاوت دارند به کار می‌رود؛ بنابراین هیچ تمایزی میان مذکر یا مونث بودن فرد در این

مورد وجود ندارد. مشابه چنین حالتی در مورد واژه /iɾ poʔti/ نیز دیده می‌شود که برای اشاره به "خواهر ناتنی" یا "برادر ناتنی" که مادر مشترک اما پدری متفاوت دارند به کار می‌رود.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر شامل ۴۵ واژه خویشاوندی می‌باشد که در مجموع ۱۱۴ صورت زبانی متفاوت در گونه‌های زبانی استان کرمان برای اشاره به این واژه‌ها وجود دارد. وجود تنوع صورت-های واژگانی نشان دهنده وجود اقوام گوناگون در این مناطق است. این تعداد شامل ۱۸ واژه نسبی با ۵۸ صورت زبانی محلی، ۲۱ واژه سببی با ۴۵ صورت زبانی محلی و ۶ واژه ناتنی با ۱۱ صورت زبانی محلی می‌شود. بررسی تطبیقی واژگان خویشاوندی در این گونه‌ها نیز نشان می‌دهد برای ۱۸ واژه نسبی در گونه‌های شمالی ۲۳ صورت محلی و در گونه‌های جنوبی ۳۹ صورت محلی، برای ۲۱ واژه سببی در گونه‌های شمالی ۲۶ صورت محلی و برای گونه‌های جنوبی نیز ۲۶ صورت محلی و در نهایت برای ۶ واژه ناتنی در گونه‌های شمالی و جنوبی ۶ صورت محلی وجود دارد. جدول زیر مجموع این نتایج را نشان می‌دهد:

واژه خویشاوندی	واژه‌های معیار	صورت‌های گونه‌های شمالی	صورت‌های گونه‌های جنوبی
نسبی	۱۸	۲۳	۳۹
سببی	۲۱	۲۶	۲۶
ناتنی	۶	۶	۶
مجموع	۴۵	۵۵	۷۱

وجود ۷۱ صورت زبانی محلی متفاوت برای گونه‌های جنوبی در مقابل ۵۵ صورت محلی برای گونه‌های شمالی نشان می‌دهد که تنوع زبانی گونه‌های جنوبی از گونه‌های شمالی بیشتر است. از لحاظ نوع خویشاوندی نیز گونه‌های جنوبی صورت‌های بیشتری برای واژه‌های نسبی دارند (۳۹ در مقابل ۲۳) و تعداد صورت‌های محلی واژه‌های سببی و ناتنی در گونه‌های شمالی و

بررسی تطبیقی واژگان خویشاوندی برخی گونه‌های زبانی استان کرمان ۱۲۱

جنوبی یکسان می‌باشد. بررسی تک به تک صورت‌های محلی نیز نشان می‌دهد که صورت‌های واژگانی گونه‌های جنوبی تفاوت‌های بیشتری با فارسی معیار دارند. از مجموع صورت‌های واژگانی

تنها ۷ واژه /zaife/، /hamri/، /ju/، /kaka/، /berar/، /amu/، /xalu/ در بین گونه‌های

شمالی و جنوبی مشترک می‌باشند که این آمار نشان دهنده تنوع زبانی گسترده در استان کرمان می‌باشد. وجود واژگان متعدد نسبی و سببی چه به لحاظ ساختار واژگانی و آوایی و چه به لحاظ ساختار معنایی نشان از اهمیت مفاهیم خانواده و ازدواج در فرهنگ مناطق مختلف استان کرمان دارد. در مقابل، مساوی بودن صورت‌های واژگانی خویشاوندان ناتنی در گونه‌های کرمان شمالی و جنوبی با فارسی معیار نشان می‌دهد که این روابط و ازدواج مجدد در فرهنگ این مناطق به اندازه روابط خویشاوندی خونی اهمیت ندارد. بررسی روابط خویشاوندی این مناطق براساس معیارهای موردادک نیز نشان می‌دهد که در گونه‌های کرمان شمالی معیار گستره کاربرد موردادک به طور کامل اعمال می‌شود اما در گونه‌های جنوبی دو معیار جنس و جهت گاهی نادیده گرفته می‌شوند و عدم اعمال آنها به تنهایی یا با هم واژه‌های رده‌ای را به دست می‌دهد.

کتاب‌نامه

۱. باطنی، محمد رضا، (۱۳۵۴)، «اصطلاحات خویشاوندی در زبان فارسی»، مسائل زبان-شناسی نوین (ده مقاله)، تهران، انتشارات آگاه، صص ۱۵۷-۱۷۴.

۲. بیتس، دانیل. بلاک، فرد، (۱۳۷۵)، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.

۳. رضایتی کیشه‌خاله، محرم. چراغی، رضا، (۱۳۸۷)، «واژه‌شناسی اجتماعی گویش گیلکی (مطالعه موردی: اصطلاحات خویشاوندی و جنسیت)»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱۶۱، صص ۹۵-۱۱۰.

۴. رضایی باغبیدی، حسن، (۱۳۸۸)، تاریخ زبان‌های ایرانی، تهران، مرکز دایره‌المعارف

اسلامی.

۵. سالنامه آماری استان کرمان، (۱۳۹۲)، دفتر آمار و اطلاعات GIS، معاونت استانداری

کرمان.

۶. شرف‌الدین، حسین، (۱۳۷۸)، *تحلیلی اجتماعی از صله رحم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی قم.
۷. شریفی، شهلا. اسلامی، مریم، (۱۳۹۰)، «بررسی نظام واژگان خویشاوندی در گویش مازندرانی» *مجموعه مقالات ششمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی*، دانشگاه مازندران، صص ۳۰۱-۳۰۱۲
۸. کلانتری‌خاندانی، حسین، (۱۳۸۷)، *سیری در جغرافیای استان کرمان، کرمان، مرکز کرمان شناسی*.
۹. کوشک جلالی، عباس، (۱۳۷۶)، «اصطلاحات خویشاوندی در زبان فارسی، ابهام در معنا و کاربرد واژه‌ها»، *نامه فرهنگستان*، صص ۱۱۴-۱۳۰
۱۰. مطلبی، محمد، (۱۳۸۵)، «بررسی گویش رودباری (کرمان)»، پایان‌نامه دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۱. مقصودی، منیژه، (۱۳۸۶)، *انسان‌شناسی خانواده و خویشاوندی*، تهران، نشر شیرازه.
۱۲. هیس، ه. رندلز، (۱۳۴۰)، *تاریخ مردم‌شناسی*، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران، انتشارات ابن سینا.
13. Hudson, R. A, (1996), **Sociolinguistics**, Cambridge: Cambridge university press.
14. Holmes, J, (2008), **An introduction to Sociolinguistics**, Longman: Pearson publication, third edition.
15. Murdock, G. P, (1949), **Social Structure**, New York, the Macmillan Company.
16. Trautmann, T. R, (2001). "The Whole History of Kinship Terminology in Three Chapters: Before Morgan, Morgan, and after Morgan". **Anthropological Theory**, 1(2), 268-287.
17. Wallace, A. F & Atkins, J, (1960), **The Meaning of Kinship Terms**, *American Anthropologist*, 62(1), 58-80.
18. Wardhaugh, R, (2003), **An introduction to sociolinguistics**, Ford : Blackwell .

بررسی تطبیقی واژگان خویشاوندی برخی گونه‌های زبانی استان کرمان ۱۳۳۰ هـ